

## اثر مبلغ تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از تعدیل مالیات بر رشد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمود خانی اوشانی

کارشناس ارشد حسابداری، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران  
پست الکترونیکی: saeed.k.oshani@gmail.com

### چکیده

هدف از انجام تحقیق بررسی اثر تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از تعدیل مالیات بر رشد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال های ۱۳۹۸-۱۳۹۰ بودند که ۱۰۱ شرکت به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. از داده های تلفیقی و ترکیبی برا رسیدن به اهداف تحقیق استفاده شد. نتایج حاکی از وجود ارتباط معنادار بین تجدید ارائه صورت‌های مالی با در نظر گرفتن مبلغ تعدیلات مالیاتی موجود در تجدید ارائه مورد تأیید قرار گرفت.

واژه‌های کلیدی: بورس، مشتری، حسابداری

## مقدمه

رشد پایدار علاوه بر اینکه یکی از مهمترین اهداف مدیریت شرکت است، بلکه به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر تصمیم‌گیری افراد نیز مورد توجه می‌باشد. به همین دلیل شناسایی عوامل مؤثر بر بهبود عملکرد شرکت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که با توجه به این موضوع می‌توان توانایی شرکت در جذب منابع مالی خارج از آن را برای آینده تا حدی برآورد نمود (بهرام فر و همکاران، ۱۳۸۷). یکی از عوامل مهمی که بر این موضوعات اثرگذار است، اعتماد استفاده‌کنندگان برون سازمانی است که به نظر می‌رسد در نتیجه‌ی تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی، این اعتماد خدشه دار شده و بر بهبود عملکرد شرکت‌ها تأثیر گذار باشد. از جمله استدلال‌هایی که در حمایت از این موضوع مطرح می‌شود آنست که تجدید ارائه‌ی صورت‌های مالی موجب آسیب زدن به روابط و مناسبات بین شرکت‌ها و اشخاص برون سازمانی از جمله مشتریان، تأمین‌کنندگان کالا و به خصوص سرمایه‌گذاران شده و بر جریانهای نقد شرکت‌ها اثر خواهد گذاشت. از اینرو تحقیق حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این سوال بود که آیا اثر تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از تعدیل مالیات بر رشد آتی شرکت‌ها تأثیر معنی‌داری دارد.

## روش شناسی

روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۰ بودند شرکت‌های تشکیل دهنده جامعه آماری دارای شرایط زیر بودند:

۱. شرکت‌ها تا ابتدای سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
۲. صورت‌های مالی آنها برای هر یک از سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۸ در دسترس باشد.
۳. در محدوده زمانی تعیین شده حداقل یک بار صورت‌های مالی سالانه تجدید ارائه شده، منتشر نموده باشند.
۴. به دلیل متفاوت بودن نسبت‌های مالی، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و نظایر آنها نباشند.

با اعمال معیارهای فوق، تعداد ۱۰۱ شرکت به مطابق با تحقیقات پیشین (کازمی و همکاران، ۱۳۹۰) مورد بررسی قرار گرفتند. برای رسیدن به اهداف تحقیق از مدل زیر استفاده شد (دمیرگاک و ماکسیمویچ<sup>۱</sup> ۱۹۹۸ و ۲۰۰۲ و سوزان و دیگران ۲۰۱۳):

$$G_{it} = \alpha + \beta_1 \text{DIV}_{it} / \text{TA}_{it} + \beta_2 \text{NI}_{it} / \text{NS}_{it} + \beta_3 \text{NS}_{it} / \text{NFA}_{it} + \beta_4 \text{LOG-TA}_{it} + \beta_5 \text{LTD}_{it} / \text{TA}_{it} + \beta_6 \text{NFA}_{it} / \text{TA}_{it} + \beta_7 \text{Q}_{it} + \beta_8 \text{IN}_{it} + \epsilon_{it}$$

که در این رابطه:  $G_{it}$  = نرخ بهبود عملکرد شرکت (متغیر وابسته)،  $\text{RESTATEMENT}_{it}$  = تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از تعدیل مالیات،  $\text{DIV}_{it}$  = کل سود تقسیمی،  $\text{NI}_{it}$  = سود خالص،  $\text{NS}_{it}$  = فروش خالص،  $\text{NFA}_{it}$  = خالص دارایی‌های ثابت،  $\text{LOG-TA}_{it}$  = لگاریتم دارایی‌ها،  $\text{TA}_{it}$  = مجموع دارایی‌ها،  $\text{LTD}_{it}$  = حسابهای دریافتی بلند مدت،  $\text{Q}_{it}$  = نسبت کیوتوبین،  $\text{IN}_{it}$  = نرخ تورم. متغیر وابسته مدل، نرخ بهبود عملکرد شرکت است که برای اندازه‌گیری آن از مدل دمیرگاک و ماکسیمویچ (۲۰۰۲ و ۱۹۹۸) و سوزان و دیگران (۲۰۱۳) استفاده شده است. در این مدل، برای محاسبه حداکثر نرخ رشد واقعی که شرکت می‌تواند از طریق منابع داخلی به آن دست یابد، ابتدا تأمین مالی خارج از شرکت مورد نیاز برای رسیدن به رشد مورد نظر از رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$B_t = [G_t \cdot A_t] - [(1 + G_t) \times (E_t - \text{EFN}_{it})]$$

که در این رابطه داریم:  $\text{EFN}$  = نیاز تأمین مالی خارج از شرکت که حاصل تفاوت بین سرمایه‌گذاری مورد نیاز با میزان سرمایه‌گذاری فعلی است.  $G_t$  = نرخ رشد فروش شرکت در زمان  $t$ ،  $A_t$  = جمع دارایی‌ها در زمان  $t$ ،  $E_t$  = سود بعد از بهره و مالیات در

زمان  $t$ ، و  $B_t$  = نسبتی از سود که جهت سرمایه‌گذاری مجدد تقسیم نشده (نرخ انباشت سود که از رابطه  $1 - \frac{\text{سود تقسیمی}}{\text{سود خالص}}$  به

دست می‌آید) در زمان  $t$ .

<sup>1</sup> Demirguc-kunt and maksimovic

حال با فرض اینکه نیاز تامین مالی خارج از شرکت صفر باشد و با ساده کردن معادله، بهبود عملکرد شرکت توسط سه شاخص IG (نرخ رشد داخلی)، SFG (نرخ رشد کوتاه مدت) و SG (حداکثر نرخ رشد پایدار) به صورت زیر محاسبه می شود: اولین رقم که نشان دهنده بیشترین نرخ رشد در شرایطی است که شرکت متکی به منابع داخلی بوده و نرخ پرداخت سود ثابت باشد، نرخ رشد داخلی نامیده می شود و با استفاده از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$(ROA_t \cdot B_t) / (1 - ROA_t \cdot B_t) = IG_t$$

که در آن  $ROA_t$ ، بازده دارایی هاست و از تقسیم سود قبل از بهره و مالیات به جمع دارایی‌ها به دست می آید.  $SFG_t$  نیز نشان دهنده بیشترین رشد قابل دسترس شرکت از طریق وجه نقد در دسترس داخلی و بدهی های کوتاه مدت است که نرخ رشد کوتاه مدت نام دارد و از قرار دادن عدد ۱ به جای B در معادله بالا (به معنای صفر بودن نرخ پرداخت سود) محاسبه شده و از رابطه‌ی زیر به دست می آید:

$$= ROLTC_t / (1 - ROLTC_t) SFG_t$$

که در این رابطه  $ROLTC_t$ ، بازده دارایی های ثابت بوده و از تقسیم سود بعد از بهره و مالیات به دارایی‌های ثابت به دست می آید. در نهایت  $SG_t$  بیشترین نرخ رشد در دسترس ناشی از وجه نقد در دسترس داخلی، بدهی‌های کوتاه مدت و بلند مدت می باشد که حداکثر نرخ رشد پایدار نامیده می شود. این شاخص نیز فرض می کند که نرخ پرداخت سود صفر بوده و با قرار دادن عدد ۱ به جای B در معادله اول و همچنین استفاده از ارزش بازار سهام به جای کل دارایی‌ها محاسبه شده و از رابطه‌ی زیر به دست می آید:

$$ROE_t / (1 - ROE_t) = SG_t$$

که در آن  $ROE_t$ ، بازده حقوق صاحبان سهام بوده و از تقسیم سود بعد از بهره و مالیات به حقوق صاحبان سهام به دست می آید. در نهایت به جای G در مدل اصلی، از سه شاخص فوق برای هر شرکت در هر سال مشخص استفاده می شود. هر کدام از نرخ رشد‌های تعریف شده فوق، برای استفاده کنندگان صورت های مالی دارای کاربرد متفاوت است. به عنوان مثال بانک ها از حداکثر نرخ رشد پایدار (SG) برای تعیین اعتبار شرکت ها استفاده می کنند (دمیرگاک و ماکسیمویچ ۱۹۹۸ و سوزان و دیگران ۲۰۱۳). متغیر مستقل مبلغ تعدیلات مالیات که در آن نوع تجدیدارائه و تاثیر افزایشی یا کاهششی آن بر سود انباشته نیز مورد توجه قرار گرفته است. جهت تحلیل داده ها از رگرسیون، آزمونهای اف فیشر، آزمون معناداری t و آزمون هاسمن استفاده گردید. همچنین برای انتخاب بین روش های داده های تابویی و داده های تلفیقی، از آزمون اف لیمر، برای آزمون عدم خودهمبستگی از آزمون دوربین واتسون، برای آزمون عدم ناهمسانی واریانس ها از آزمون وایت و همچنین جهت آزمون مانایی متغیرها از آزمون فیشر، استفاده گردید.

## نتایج

نتایج حاصل از برآورد مدل اول به شرح جدول ۱ می باشد.

$$IG_{it} = \alpha + \beta_1 DIV_{it}/TA_{it} + \beta_2 NI_{it}/NS_{it} + \beta_3 NS_{it}/NFA_{it} + \beta_4 LOG-TA_{it} + \beta_5 LTD_{it}/TA_{it} + \beta_6 NFA_{it}/TA_{it} + \beta_7 Q_{it} + \beta_8 I_{it} + \beta_9 TAX_{it}(t-1) + \epsilon_{it}$$

جدول ۱. خلاصه نتایج آماری آزمون مدل اول

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (Sig)	VIF
عرض از مبدأ (C)	0.237839	0.229479	1.036429	0.3006	----
نسبت سود تقسیمی به کل دارایی (DIV/TA)	-0.957076	0.106996	-8.944937	0.0000	1.25
نسبت سود به فروش (NI/NS)	0.113825	0.024833	4.583664	0.0000	1.20
نسبت فروش به دارایی ثابت (NS/NFA)	0.000328	0.000126	2.592836	0.0099	1.32
لگاریتم دارایی‌ها (LOG-TA)	-0.004610	0.017718	-0.260180	0.7949	1.20

1.06	0.2075	1.262528	0.195342	0.246625	نسبت حساب دریافتنی بلند مدت به کل دارایی (LTD/TA)
1.34	0.0000	-7.940376	0.036842	-0.292539	نسبت دارایی ثابت به کل دارایی (NFA/TA)
1.24	0.5206	0.642954	0.006750	0.004340	کیوتوبین (Q)
1.13	0.5729	0.564189	0.021350	0.012046	نرخ تورم (IF)
1.08	0.0007	-3.437293	0.00000002	0.00000008	مبلغ تجدید ارائه ناشی از تعدیلات مالیاتی (TAX)
1.914813	آماره دوربین واتسن		21.29371 (0.000000)	آماره F فیشر (سطح معنی داری)	
0.814434	ضریب تعیین تعدیل شده		0.854566	ضریب تعیین	

با توجه به ستون آخر جدول ۱ مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۵ ( $VIF < 5$ ) می باشد. بنابراین بین متغیرهای مستقل هم خطی وجود ندارد. بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می باشد. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده ( $0,000000$ )، می توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می توان ادعا نمود، حدود ۸۵ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (نرخ رشد داخلی)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می شود. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $DIV/TA$  در جدول بالا نشان دهنده رابطه منفی و معنادار میان نسبت سود تقسیمی به کل دارایی و نرخ رشد داخلی در سطح خطای  $0,05$  است. بنابراین می توان گفت که بین نسبت سود تقسیمی به کل دارایی و نرخ رشد داخلی در سطح اطمینان  $95\%$  رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $NI/NS$  در جدول بالا نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار میان نسبت سود به فروش و نرخ رشد داخلی در سطح خطای  $0,05$  است. بنابراین می توان گفت که بین نسبت سود به فروش و نرخ رشد داخلی در سطح اطمینان  $95\%$  رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $NS/NFA$  در جدول بالا نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار میان نسبت فروش به کل دارایی ثابت و نرخ رشد داخلی در سطح اطمینان  $95\%$  رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $LOG-TA$  در جدول بالا نشان دهنده عدم رابطه معنادار میان لگاریتم دارایی ها و نرخ رشد داخلی در سطح خطای  $0,05$  است. بنابراین می توان گفت که بین لگاریتم دارایی ها و نرخ رشد داخلی در سطح اطمینان  $95\%$  رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $LTD/TA$  در جدول بالا نشان دهنده عدم رابطه معنادار میان نسبت حساب دریافتنی بلند مدت به کل دارایی و نرخ رشد داخلی در سطح خطای  $0,05$  است. بنابراین می توان گفت که بین نسبت حساب دریافتنی بلند مدت به کل دارایی و نرخ رشد داخلی در سطح اطمینان  $95\%$  رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $Q$  در جدول بالا نشان دهنده عدم رابطه معنادار میان کیوتوبین و نرخ رشد داخلی در سطح اطمینان  $95\%$  است. بنابراین می توان گفت که بین کیوتوبین و نرخ رشد داخلی در سطح اطمینان  $95\%$  رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $IF$  در جدول بالا نشان دهنده عدم رابطه معنادار میان نرخ تورم و نرخ رشد داخلی در سطح خطای  $0,05$  است. بنابراین می توان گفت که بین نرخ تورم و نرخ رشد داخلی در سطح اطمینان  $95\%$  رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $TAX$  در جدول بالا نشان دهنده رابطه مثبت و معنادار میان مبلغ تجدید ارائه ناشی از تعدیلات مالیاتی و نرخ رشد داخلی در سطح خطای  $0,05$  است. بنابراین می توان گفت که بین مبلغ تجدید ارائه ناشی از تعدیلات مالیاتی و نرخ رشد داخلی در سطح اطمینان  $95\%$  رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از برآورد مدل دوم در جدول ۲ ارائه شده است:

$$SFG_{it} = \alpha + \beta_1 DIV_{it}/TA_{it} + \beta_2 NI_{it}/NS_{it} + \beta_3 NS_{it}/NFA_{it} + \beta_4 LOG-TA_{it} + \beta_5 LTD_{it}/TA_{it} + \beta_6 NFA_{it}/TA_{it} + \beta_7 Q_{it} + \beta_8 IF_{it} + \beta_9 TAX_{i(t-1)} + \varepsilon_{it}$$

جدول ۲. خلاصه نتایج آماری آزمون مدل دوم

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (Sig)	VIF
عرض از مبدأ (C)	0.275145	0.410508	0.670254	0.5030	----
نسبت سود تقسیمی به کل دارایی (DIV/TA)	-2.709906	1.200045	-2.258170	0.0244	1.25
نسبت سود به فروش (NI/NS)	0.198147	0.140935	1.405945	0.1604	1.20
نسبت فروش به دارایی ثابت (NS/NFA)	-0.018590	0.004707	-3.949097	0.0001	1.32
لگاریتم دارایی‌ها (LOG-TA)	0.024451	0.028286	0.864420	0.3878	1.20
نسبت حساب دریافتی بلند مدت به کل دارایی (LTD/TA)	-19.42996	16.02193	-1.212710	0.2258	1.06
نسبت دارایی ثابت به کل دارایی (NFA/TA)	0.495347	0.159580	3.104073	0.0020	1.34
کیوتوبین (Q)	-0.233818	0.027166	-8.606940	0.0000	1.24
نرخ تورم (IF)	-0.447558	0.095122	-4.705065	0.0000	1.13
مبلغ تجدید ارائه ناشی از تعدیلات مالیاتی (TAX)	0.0000009	0.0000005	1.920846	0.0553	1.08
آماره F فیشر (سطح معنی داری)	6.826582 (0.000000)		آماره دوربین واتسن		1.539606
ضریب تعیین	0.460415		ضریب تعیین تعدیل شده		0.424241

با توجه به ستون آخر جدول ۲ مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۵ ( $VIF < 5$ ) می‌باشد. بنابراین بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد. بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده ( $0.000000$ )، می‌توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۴۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (نرخ رشد کوتاه مدت)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $DIV/TA$  در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار میان نسبت سود تقسیمی به کل دارایی و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح خطای ۰.۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت سود تقسیمی به کل دارایی و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $NI/NS$  در جدول بالا نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار میان نسبت سود به فروش و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح خطای ۰.۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت سود به فروش و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $NS/NFA$  در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار میان نسبت فروش به دارایی ثابت و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح خطای ۰.۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت فروش به دارایی ثابت و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $LOG-TA$  در جدول بالا نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار میان لگاریتم دارایی‌ها و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح خطای ۰.۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین لگاریتم دارایی‌ها و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی

متغیر مستقل LTD/TA در جدول بالا نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار میان نسبت حساب دریافتی بلند مدت به کل دارایی و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت حساب دریافتی بلند مدت به کل دارایی و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل NFA/TA در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان نسبت دارایی ثابت به کل دارایی و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت دارایی ثابت به کل دارایی و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل Q در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار میان کیوتوبین و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین کیوتوبین و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل IF در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار میان نرخ تورم و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نرخ تورم و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل TAX در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان مبلغ تجدید ارائه ناشی از تعدیلات مالیاتی و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح خطای ۰,۱۰ است. بنابراین می‌توان گفت که بین مبلغ تجدید ارائه ناشی از تعدیلات مالیاتی و نرخ رشد کوتاه مدت در سطح اطمینان ۹۰٪ رابطه معناداری وجود دارد.

نتایج حاصل از برآورد مدل سوم در جدول ۳ ارائه شده است:

$$SG_{it} = \alpha + \beta_1 DIV_{it}/TA_{it} + \beta_2 NI_{it}/NS_{it} + \beta_3 NS_{it}/NFA_{it} + \beta_4 LOG-TA_{it} + \beta_5 LTD_{it}/TA_{it} + \beta_6 NFA_{it}/TA_{it} + \beta_7 Q_{it} + \beta_8 IF_{it} + \beta_9 TAX_{it(t-1)} + \epsilon_{it}$$

جدول ۳. خلاصه نتایج آماری آزمون مدل سوم

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)	VIF
عرض از مبدأ (C)	-7.228141	1.605090	-4.503262	0.0000	----
نسبت سود تقسیمی به کل دارایی (DIV/TA)	3.451853	0.826500	4.176468	0.0000	1.25
نسبت سود به فروش (NI/NS)	0.055184	0.076637	0.720064	0.4719	1.20
نسبت فروش به دارایی ثابت (NS/NFA)	0.058186	0.020878	2.786976	0.0056	1.32
لگاریتم دارایی‌ها (LOG-TA)	0.495611	0.134962	3.672240	0.0003	1.20
نسبت حساب دریافتی بلند مدت به کل دارایی (LTD/TA)	-24.08510	27.54946	-0.874249	0.3825	1.06
نسبت دارایی ثابت به کل دارایی (NFA/TA)	0.274668	0.709791	0.386971	0.6990	1.34
کیوتوبین (Q)	0.052366	0.046233	1.132673	0.2580	1.24
نرخ تورم (IF)	-1.288934	0.283360	-4.548757	0.0000	1.13
مبلغ تجدید ارائه ناشی از تعدیلات مالیاتی (TAX)	0.0000008	0.0000013	0.587026	0.5575	1.08
آماره F فیشر (سطح معنی داری)	6.562348 (0.000000)	آماره دوربین واتسن		2.131925	
ضریب تعیین	0.644239	ضریب تعیین تعدیل شده		0.546067	

با توجه به ستون آخر جدول ۳ مقدار VIF برای کلیه متغیرهای مستقل کمتر از ۵ ( $VIF < 5$ ) می‌باشد. بنابراین بین متغیرهای مستقل هم‌خطی وجود ندارد. بنابراین مدل برازش شده دارای اعتبار می‌باشد. با توجه به احتمال آماره F محاسبه شده

(۰,۰۰۰۰۰۰)، می‌توان ادعا نمود که مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. با توجه به ضریب تعیین مدل برازش شده می‌توان ادعا نمود، حدود ۶۴ درصد از تغییرات در متغیر وابسته مدل (حداکثر نرخ رشد پایدار)، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده می‌شود. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $DI\bar{V}/TA$  در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان نسبت سود تقسیمی به کل دارایی و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت سود تقسیمی به کل دارایی و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $NI/NS$  در جدول بالا نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار میان نسبت سود به فروش و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت سود به فروش و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $NS/NFA$  در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان نسبت فروش به دارایی ثابت و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت فروش به دارایی ثابت و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $LOG-TA$  در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه مثبت و معنادار میان لگاریتم دارایی‌ها و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین لگاریتم دارایی‌ها و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $LTD/TA$  در جدول بالا نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار میان نسبت حساب دریافتی بلند مدت به کل دارایی و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت حساب دریافتی بلند مدت به کل دارایی و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $NFA/TA$  در جدول بالا نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار میان نسبت دارایی ثابت به کل دارایی و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نسبت دارایی ثابت به کل دارایی و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $Q$  در جدول بالا نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار میان کیوتوبین و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین کیوتوبین و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $IF$  در جدول بالا نشان‌دهنده رابطه منفی و معنادار میان نرخ تورم و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین نرخ تورم و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود دارد. ضریب برآوردی متغیر مستقل  $TAX$  در جدول بالا نشان‌دهنده عدم رابطه معنادار میان مبلغ تجدید ارائه ناشی از تعدیلات مالیاتی و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح خطای ۰,۰۵ است. بنابراین می‌توان گفت که بین مبلغ تجدید ارائه ناشی از تعدیلات مالیاتی و حداکثر نرخ رشد پایدار در سطح اطمینان ۹۵٪ رابطه معناداری وجود ندارد.

### بحث و نتیجه گیری

هدف از انجام تحقیق بررسی اثر تجدید ارائه صورت‌های مالی ناشی از تعدیل مالیات بر رشد آتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. نتایج حاکی از وجود ارتباط معنادار بین تجدید ارائه صورت‌های مالی با در نظر گرفتن مبلغ تعدیلات مالیاتی موجود در تجدید ارائه مورد تأیید قرار گرفت. این یافته‌ها با نتایج لین و همکاران (۲۰۰۴) هم خوانی ندارد. به نظر می‌رسد با توجه به اینکه عمده تعدیلات انجام شده در حساب‌ها مربوط به پرداخت مالیات سنوات قبل بوده و به دلیل اینکه از دیدگاه استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی تعدیل مالیات یک تغییر در برآورد بوده و خارج از دسترس شرکت است (مطابق با استانداردهای حسابداری)، اطلاعات این تعدیل را نمی‌توان به عنوان اطلاعات مربوط در نظر گرفت، لذا این تعدیلات اثری بر رشد شرکت نخواهد داشت. این یافته‌ها با نتایج تحقیقات گذشته همخوانی دارد. برای مثال، خواجوی و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی رابطه دوسویه رشد و سودآوری ۱۷۳ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، در بازه زمانی ۱۳۹۰-۱۳۸۲ پرداختند. در این پژوهش برای اندازه‌گیری رشد شرکت از رشد دارایی‌های شرکت استفاده شده است و با انجام آزمون علیت گرنجری، وجود رابطه دوسویه میان این دو متغیر به تأیید رسید و پس از آن، سیستم معادلات همزمان با استفاده از روش رگرسیون دومرحله‌ای برآورد شد. نتایج برآورد بیانگر وجود یک رابطه دوسویه بین رشد و سودآوری

شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. خواجه‌وی و قدیریان آرانی (۱۳۹۳) به بررسی تجربی کیفیت سود شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده صورت‌های مالی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که گرچه کیفیت سود گزارش‌شده اولیه شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده صورت‌های مالی به گونه‌ی معناداری پایین‌تر از کیفیت سود شرکت‌هایی است که صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه نکرده‌اند؛ اما بین کیفیت سود تجدید ارائه‌شده شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده صورت‌های مالی و کیفیت سود شرکت‌هایی که صورت‌های مالی خود را تجدید ارائه نکرده‌اند، تفاوت معناداری وجود ندارد. همچنین در سطح شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده صورت‌های مالی، کیفیت سود تجدید ارائه‌شده به‌طور معناداری بیشتر از کیفیت سود گزارش‌شده اولیه است. نیکبخت و رفیعی (۱۳۹۱) به تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران پرداختند. بدین منظور نخست از طریق مصاحبه با ۵۰ نفر از خبرگان، عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شناسایی و سپس با روش رگرسیون لجستیک الگوی پیش‌بینی‌شده برآورد شد. به‌منظور برآورد الگو، از داده‌های مربوط به ۲۰۲ شرکت بورسی در سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ استفاده شده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که سودآوری، اهرم مالی، طول دوره تصدی مدیریت، تغییر مدیریت، تغییر حسابرس و اندازه مؤسسه حسابرسی بر وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی مؤثر است. همچنین این پژوهشگران معتقدند که مطالعات در زمینه تجدید ارائه صورت‌های مالی را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی کرد: ۱. مطالعات مربوط به پیامدهای منفی تجدید ارائه صورت‌های مالی، ۲. مطالعات مربوط به عوامل و انگیزه‌های تجدید ارائه صورت‌های مالی، ۳. مطالعات برای تشخیص و پیش‌بینی تجدید ارائه صورت‌های مالی. ثقفی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی کاهش بلندمدت محتوای اطلاعاتی سود، در پی تجدید ارائه صورت‌های مالی پرداختند. در این پژوهش ۱۸۵ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۷ آزمون شدند. آنها دریافتند که در پی تجدید ارائه صورت‌های مالی، کاهش بلندمدت در محتوای اطلاعاتی سود رخ داده است. جهانشاد و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی تأثیر درصد تغییرات سود سهام پرداختی بر رشد آتی پرداختند. این پژوهش دارای یک متغیر مستقل (درصد تغییرات سود سهام پرداختی) و یک متغیر وابسته (رشد سود آتی) و ۵ متغیر کنترلی شامل اندازه شرکت، اهرم مالی، بازده دارایی‌ها، نسبت سود به قیمت و رشد سود با وقفه زمانی است. دوره زمانی این پژوهش از ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۸ است. برای آزمون فرضیه پژوهش از روش رگرسیون چندمتغیره استفاده شده و نتایج پژوهش نشان می‌دهد تأثیر درصد تغییرات سود سهام پرداختی بر رشد سود آتی دارای رابطه مثبت و معناداری است. حیدرپور و زوجی (۱۳۸۹) عوامل مؤثر بر تجدید ارائه سود هر سهم را در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ بررسی کردند. بر این اساس تأثیر متغیرهای مستقل شامل اندازه شرکت، رشد فروش، نسبت اهرم مالی، بازده دارایی‌ها، شاخص محافظه‌کاری حسابداری، شاخص کیفیت سود، تغییر حسابرس و نسبت جریان نقدی عملیاتی به سود بر متغیر وابسته (تفاوت سود هر سهم تجدید ارائه‌شده و نشده) آزمون شد. نتیجه اصلی این پژوهش بیانگر آن است که از بین متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده، تنها عامل مؤثر بر تجدید ارائه سود هر سهم، شاخص کیفیت سود هر سهم است. اخگر و علیخانی (۱۳۹۱) به بررسی رابطه بین ارائه مجدد صورت‌های مالی و ریسک اختیاری و ذاتی که نمادهای ریسک اطلاعاتی است، پرداختند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ارائه مجدد صورت‌های مالی ناشی از حساب‌های اصلی با ریسک اختیاری رابطه معناداری دارد. همچنین ارائه مجدد توسط حسابرس و دفعات تکرار ارائه مجدد نیز ارتباط معناداری با ریسک اطلاعاتی دارد که همه این تغییرات باعث تغییر در هزینه سرمایه شرکت می‌شود و همچنین ریسک اختیاری و ذاتی شرکت‌هایی که صورت‌های مالی خود را ارائه مجدد می‌کنند، باعث افزایش ریسک اطلاعاتی شرکت‌های بدون تجدید ارائه در صنایع مشابه می‌شوند که نشان از اثر انتقال اطلاعاتی دارد. خواجه‌وی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه ویژگی‌های هیئت‌مدیره و تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های هیئت‌مدیره و وقوع تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین بین اندازه هیئت‌مدیره و شدت تجدید ارائه رابطه معناداری وجود ندارد؛ اما بین درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و جدایی نقش مدیرعامل از رئیس هیئت‌مدیره با شدت تجدید ارائه صورت‌های مالی رابطه منفی معناداری برقرار است. خواجه‌وی و صالحی‌نیا (۱۳۹۴) به بررسی رابطه محدودیت‌های تأمین مالی و رشد ۱۷۳ شرکت پذیرفته



شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین محدودیت‌های تأمین مالی و رشد دارایی‌ها و رشد فروش که شاخص‌های محاسبه رشد شرکت هستند، رابطه منفی معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، شرکت‌هایی که از یک‌سو دارای مانده وجه نقد، سود تقسیمی و شاخص کیوتوبین کمتری هستند و از سوی دیگر دارای نسبت اهرمی بزرگتری هستند، رشد کمتری دارند. با توجه با نتایج تحقیق به سازمان بورس اوراق بهادار و همچنین سازمان حسابرسی پیشنهاد می‌شود قوانین و مقرراتی را تدوین نمایند تا از تجدید ارائه بی‌رویه و بیش از حد صورت‌های مالی جلوگیری شود.

#### منابع

- اخگر، محمد امید و آرزو علیخانی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر ارائه مجدد صورت‌های مالی بر ریسک اطلاعاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه حسابداری مالی**، سال ششم، شماره ۲۲، صص ۶۸-۸۸.
- ثقفی، علی، امیری، مقصود و حسین کاظمی. (۱۳۹۰). مطالعه تجربی پیرامون محتوای اطلاعاتی سود متعاقب تجدید ارائه صورت‌های مالی. **فصلنامه نظریه‌های نوین حسابداری**، سال اول، شماره ۱، صص ۱-۲۲.
- جهانشاد، آزیتا، عسگری، محمدرضا و وحید اسدی کلی. (۱۳۹۰). تأثیر درصد تغییرات سود سهام پرداختی بر رشد سود آتی. **فصلنامه علمی پژوهشی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار**، شماره ۱۲، صص ۱-۱۴.
- حیدرپور، فرزانه و حسن ازوجی. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه سود هر سهم. **پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی**، شماره ۲، صص ۱۱۵-۱۳۳.
- خواجوی، شکراله، بهپور، سجاده، ممتازیان، علیرضا و محسن صالحی‌نیا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه متقابل رشد و سودآوری شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با استفاده از سیستم معادلات همزمان. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی**، دوره بیست و یکم، شماره ۱، صص ۷۳-۸۸.
- خواجوی، شکراله، قدیریان آرانی، محمدحسین و حسن فتاحی نافچی. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت‌مدیره بر تجدید ارائه صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. **فصلنامه حسابداری مالی**، سال هفتم، شماره ۱، صص ۵۵-۷۰.
- خواجوی، شکراله و محسن صالحی‌نیا. (۱۳۹۴). محدودیت‌های تأمین مالی و رشد شرکت (مطالعه موردی: بورس اوراق بهادار تهران). **فصلنامه حسابداری مالی**، سال هفتم، شماره ۲۵، صص ۲۹-۴۸.
- خواجوی، شکراله و محمدحسین قدیریان آرانی. (۱۳۹۳). بررسی کیفیت سود شرکت‌های تجدید ارائه‌کننده صورت‌های مالی. **پژوهش‌های تجربی حسابداری**، شماره ۴، صص ۱۴۷-۱۲۹.
- نیکبخت، محمدرضا و افسانه رفیعی. (۱۳۹۱). تدوین الگوی عوامل مؤثر بر تجدید ارائه صورت‌های مالی در ایران. **دانش حسابداری**، سال سوم، شماره ۹، صص ۱۶۷-۱۹۷.
- بهرامفر، نقی و کاردان، بهزاد؛ (۱۳۸۷)، « بررسی محتوای اطلاعاتی ارقام حسابداری مندرج در صورت‌های مالی و ارائه مدلی جهت پیش بینی سود»، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره پانزدهم، شماره ۵۲، صص ۳۶-۱۷
- کاظمی، حسین؛ (۱۳۹۰)، «تجدید ارائه صورت‌های مالی: عوامل موثر و واکنش نسبت به آن‌ها»، دانش و پژوهش حسابداری، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۱۸-۲۳ و صص ۷۶-۷۳
- Demirguc-Kunt, A. Maksimovic, V. (1998). Law, finance, and firm growth. *The Journal of Finance* 53 (6), pp2107-2137.
- Demirguc-Kunt, A. Maksimovic, V. (2002). Funding growth in bank-based and market-based financial systems: evidence from firm-level data. *Journal of Financial Economics* 65 (3), pp337-363.
- Lin, J.W., Hwang, M.I., and Li, J.F. (2004). A neural fuzzy system approach to assessing the risk of earnings restatements. *Issues in Information Systems*, 5(1), pp. 201-207.
- Susan M. A, Shawn X. H, Raynolde P and Xiaolu X. (2013). The effects of accounting restatements on firm growth. *Journal of Accounting and public policy*, pp357-376 Toronto